



توده های ستمدیده خاورمیانه می باشند. آنها اکنون با دیدن سیل غیر قابل مبارزات توده ای، از زبان باراک اوباما با فریبکاری به جوانان مصر پیغام می دهند که: "صدای شما را شنیدیم!" و بیشرمانه از مردم می خواهند که "خشونت" به خرج ندهند. از آنها می خواهند که به رفتن مهره هایی نظیر بن علی مزدور - که با شنیدن خبر حرکت مردم برای آتش زدن کاخ ریاست جمهوری تونس_ فرار را بر قرار ترجیح داد، رضایت داده و مبارزاتشان را "پیروز" و "تمام" شده تلقی کنند. بالاخره امپریالیست ها به هر تاکتیکی (حتی رضایت به سقوط نوکران خود نظیر بن علی و مبارک) متوسل می گردند تا از پیشروی و تعمیق جنبش توده ای جلوگیری کرده و نظام استعمارگرانه حاکم و ارتش و نیروهای سرکوب به مثابه عامل اصلی بقای سلطه خود بر حیات توده ها را از گزند مبارزات و خشم توده ها حفظ کنند.

رویدادهای عظیمی که اکنون در خاورمیانه شاهد آن هستیم، حوادثی ناگهانی و به قول معروف "عرش رعد در آسمان بی ابر" نبوده اند. سیل و طوفانی که با انفجار توده ها در تونس، مصر، اردن، یمن و ... درگرفته است، قبل از هر چیز نتیجه اجتناب ناپذیر شدت یابی تضادهای طبقاتی در جامعه و محصول مستقیم سالهای مدید سلطه وحشیانه امپریالیسم و دیکتاتوری سرمایه داران وابسته در این کشورهاست. سلطه ای که با تجهیز تا بن دندان یک ماشین نظامی ضد خلقی و اتکا به سرکوب عربان هر صدای دمکراتیک مخالف در سایه حمایت های آشکار قدرتهای جهانی، تسمه از گرده توده های تحت ستم عرب کشیده و با پیشبرد برنامه های اقتصادی دیکته شده توسط قدرتهای امپریالیست، که گام آخر آن حذف سوسپیدها بود، چنگال غارتگران جهانی را هر چه بیشتر بر گلو کارگران و توده های زحمتکش و گرسنه این کشورها فشرده است.

صفحه ۲

"زنگها" برای که به صدا در آمده اند!

(نگاهی به تحولات خاورمیانه)

در هفته های اخیر موج گسترده ای از اعتراضات توده ای، کشورهای خاورمیانه و برخی از ممالک شمال آفریقا را در نوردیده است. حکومت های دیکتاتور و تا مغز استخوان وابسته، در تونس، مصر، اردن، یمن و ... که در طول نه سالها، بلکه دهه های متمادی دژهای تسخیر ناپذیر امپریالیسم و بهشت های برین سرمایه داران غارتگر جلوه داده می شدند، اکنون با انعکاس سهمگین صدای مارش ارتش توده های گرسنه و خشمگین به لرزه درآمده اند. مشاهده خفت و حقارت دیکتاتورهای قدر قدرت نمایی نظیر "بن علی" و "مبارک" و شرکا، در مقابل طوفان قدرت تاریخی مردم رنجدیده منطقه، قلب هر انسان آزادیخواه و با وجدانی را شاد کرده و در مقابل خواب خوش را از چشم مرتجعین وحشت زده ای که کابوس سرنوونی رهبران مادام العمر را نظاره گرد، ربوده است. تاریخ یکبار دیگر بر این درس بزرگ مبارزاتی که حتی قوی ترین و سرکوبگرترین حکومتها ضد خلقی در مقابل قدرت توده ها، "ببر های کاغذی ای" بیش نیستند مهر تایید زده است. این ندا را بیش از هر کس امپریالیستهای شنیده اند که سالهای متمادی با حمایت از مزدورانی نظیر بن علی و مبارک و ... عامل اصلی فقر و فلاکت و گرسنگی و سرکوب میلیونها تن از

تشدید تبلیغات ضد فدایی صدا و سیما در "دهه فجر" !

با فرارسیدن سالگرد قیام پرشکوه بهمن که دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی آنرا "دهه فجر" می نامد ماشین تبلیغاتی جمهوری اسلامی بخشی از برنامه عوامفریبانه خود را به روال هر سال به وقایع مربوط به سرنوونی رژیم ضد مردمی شاه و جایگزینی آن با حکومت ضد مردمی جمهوری اسلامی اختصاص داده اند. امسال با توجه به خیزش توده ای مردم دلاور ما بر علیه جمهوری اسلامی، بخش مشخصی از تبلیغات رادیو تلویزیونی حکومت در این ایام به تبلیغات ضد کمونیستی و بویژه تبلیغات بر علیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران اختصاص یافت. تا جایی که کانال یک صدا و سیما جمهوری اسلامی با استناد به باصطلاح نامه های "تاریخی" خمینی جلاد در زمان سقوط شوروی سابق، بخشی از اراجیف ضد کمونیستی او و رهنمودهایش به سران حکومت شوروی را پخش کرده و با اشاره به "دیکتاتوری" در این نظامها از مزایای حکومت اسلامی برای آنها سخن پراکنی نموده و در ورای این نامه به شدت کمونیستهای ایران و بویژه چریکهای فدایی خلق را مورد خطاب قرار داده و به حمله، توهین و تهدید آنها پرداخت. این حملات تبلیغاتی مسموم و فاقد کمترین عنصر حقیقت به کمونیسم و چریکهای فدایی خلق در برنامه های دهه فجر در شرایطی صورت می گیرد که بخش فرهنگی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی هم در سالهای اخیر با مشاهده گرایش فزاینده در میان جوانان مبارز به ایده ها و تجارب انقلابی کمونیستهای جامعه ما و بویژه چریکهای فدایی خلق در زمان شاه، کارزار سیستماتیک و ضد انقلابی ای را بر علیه کمونیستهای فدایی سازمان داده و برای مسموم کردن ذهن جوانان مبارز، صد ها نوشته و مقاله و ... را از قلم به مردها و مرتجعین متفاوت در ابزارهای متنوع تبلیغاتی خویش منعکس کرده و کوشیده است که چریکهای فدایی خلق ایران و کمونیستهای صدیق را در ذهن کنکاش گر جوانان، مشتت عناصر "گانگستر" و "وابسته" به بیگانه معرفی کند تا این طور به جوانان القا شود که تلاش برای ادامه راه آنها و استفاده از تجارب مبارزاتییشان هیچ گونه نتیجه و فایده ای نخواهد داشت. با وجود آنکه با افشاگری نیروهای انقلابی و بویژه چریکهای فدایی خلق بعضی از اهداف ضد انقلابی بخش فرهنگی وزارت اطلاعات شکست خورد، اما "سربازان گمنام امام زمان" رژیم همچنان به ادامه تلاشهای تبلیغاتییشان بر علیه کمونیستها می پردازند. تبلیغات ضد فدایی جمهوری اسلامی در دهه فجر امسال از صدا و سیما این رژیم در واقع بخش دیگری از سیاست تبلیغاتی ضد کمونیستی جمهوری اسلامی بر علیه تمام کمونیستهای ایران و مشخصا چریکهای فدایی خلق است.



"زنگها" برای که به صدا

در آمده اند... از صفحه ۱

نگاهی به اوضاع وخیم اقتصادی تونس و مصر (و سایر کشورهای وابسته در منطقه) نشان می دهد که تحت بر نامه های اقتصادی ضد خلقی حکومتهای فاسد و مزدور در این کشورها چگونه سرمایه های جهانی قادر شده اند تا بویژه در سالهای اخیر با تشدید غارت و چپاول توده های منطقه جیب های خود را هر چه بیشتر پر کرده و در عوض میلیونها تن از مردم زحمتکش را به تدریج در مرداب فقر و گرسنگی و بیکاری غرق کنند. روند فوق بدنیال موج جدید بحران اقتصادی مرگباری که نظام سرمایه داری را در سطح بین المللی و در نوک هرم آن یعنی در باصطلاح پیشرفته ترین و "قوی ترین" کشورهای آمریکایی و اروپایی در برگرفت، هر چه گسترده تر و سریعتر شد. تلاش امپریالیستهای آمریکایی و اروپایی به منظور انتقال بار بحرانهای اقتصادی خود بر دوش کارگران و خلقهای تحت ستم در جوامع وابسته از طریق افزایش مافوق سود حاصل از غارت و چپاول ثروتهای ملی و منابع انرژی این کشورها و استثمار شدیدتر نیروی کار، سرانجام کاسه صبر و تحمل رنجبران را لبریز کرد. مردم برای نان و کار و آزادی به خیابانها ریختند، چندین تن از محرومین از شدت خشم و استیصال در تونس و بعد در کشورهای دیگر خود را آتش زدند و به این ترتیب **شورش گرسنگان به خاطر نان و کار**، ماشه انفجار بزرگ ولی اجتناب ناپذیر خشم توده های منطقه را چکاند. اینها زمینه های مادی تراکم تدریجی ابرهای سیاهی در منطقه خاور میانه بود که سرانجام طوفان حاصل از آن، سد دیکتاتوری امپریالیستها و حکومتهای دست نشانده شان را شکافته و سلطه آهنین حکومتهای فوق را به لرزه انداخته است.

با فرار بن علی و تشدید فشار بر سایر رژیم های دیکتاتوری توسط توده های به جان آمده، اکنون فضای جدیدی در خاورمیانه ایجاد گشته که در آن لیستی از دیکتاتورهای ظاهرا مادام العمر در انتظار نوبت رفتن خود هستند! زمانی لنین کبیر، این آموزگار و یار بزرگ توده های زحمتکش با بررسی بحرانهای ذاتی نظام امپریالیستی و مشاهده رویدادهای جاری بانگ بر آورد که "بحران های اقتصادی" اجتناب ناپذیر نظام امپریالیستی زمینه ساز "انقلاب" های توده ای هستند. فضای ملتهب سیاسی کنونی در منطقه خاورمیانه بار دیگر بر آموزشهای مارکسیستی آن اندیشمند بزرگ مهر تایید کوبیده است. **تشدید بحرانهای**



مرگبار اقتصادی نظام سرمایه داری و انتقال بار آن به کشورهای وابسته توسط غارتگران بین المللی شیخ انقلاب را بر فراز دژهای امپریالیسم در این منطقه استراتژیک به حرکت درآورده است. انهم درست در شرایطی که هنوز زوزه های چند سال پیش مدافعین نظام سرمایه داری که با مشاهده سقوط روزیونیستهای حاکم بر شوروی سابق و فروپاشی اردوگاه دروغین سوسیالیسم، "پایان" عصر انقلابات و "جاودانگی" نظام محض سرمایه داری را به خیال خود جشن می گرفتند فراموش نشده است. اکنون بر بستر تحولات خاورمیانه بسیاری از نظریه پردازان خادم بورژوازی نیز بجای استفاده از ترجیع بند پوچ "پایان تاریخ" و "انقلاب" مجبور شده اند تا به "پایان دوره نئو لیبرالیسم" اعتراف کنند. دوره ای که قرار بود در آن سرمایه داری با ایجاد ظرفیتهای جدید در خود، اقتصادی پویا و شکوفا و دمکراسی و برابری برای تمام جهان تحت سلطه خویش به ارمغان بیاورد! (چه خیال باطلی!)

از سوی دیگر با وقایع اخیر، امپریالیستها، پیش از هر نیروی دیگری درک کرده اند که با لرزان شدن پایه دیکتاتورهای وابسته به خود در اثر خیزشهای انقلابی توده ای، منافع استراتژیک آنها در خاورمیانه در خطر افتاده است. در نتیجه آنها به تکاپو افتاده اند. **با صدا درآمدن "زنگها"ی خطر، اکنون صداک بسیار بلند و قوی ای در میان نظریه پردازان و استراتژیستهای بورژوازی بکوش می رسد که از "ضرورت" رفتن دیکتاتورهای فاسد موجود در منطقه و پاسخ به "خواست" توده های خاورمیانه برای ایجاد "دمکراسی" دم می زنند! همانهایی که تا زمانی نه چندان دور پیشرمانه رژیمهای ضد خلقی و سرکوبگر تونس و مصر را از مصادیق**

"دمکراسی" در خاورمیانه می نامیدند و ارتشها و نیروی سرکوب آنان را تا بن دندان به سلاح و جنگ افزار های مهلک تسلیح می کردند و بالاخره تمام سرکوبگری و اعمال ضد خلقی آنان که در خدمتگزاری به امپریالیستها انجام می گرفت را عین "دمکراسی" می خواندند. امروز همین ها هستند که از قول تونی بلر نخست وزیر سابق و منفور انگلستان از چگونگی "انتقال مسالمت آمیز" قدرت از حسنی مبارک (که مرتبا عریده می کشد که تا انتخابات بعدی قصد ترک مسند ریاست جمهوری را ندارد) به زمامداران بعدی داد سخن می دهند.

در نتیجه، وقایع جاری در خاورمیانه بر درس مبارزاتی دیگری برای توده های آگاه تاکید می کند و آن این که **امپریالیستها هیچگاه سرنوشت خود را با سرنوشت سگان زنجیریشان پیوند نمی دهند** و هر گاه که مصالح آنها در مقابل جنبش مردمی ایجاب کند، براهتی چتر حمایتی خود را از روی سر نوکرانی نظیر بن علی و مبارک و شرکا برداشته و برای حفظ منافع دراز مدت خویش به سقوط آنها رضایت می دهند. امپریالیست ها با اتخاذ چنین تاکتیکی امروز می کوشند بر موج نارضایتی و جنبش توده ها سوار شده و آن را از مسیر سرنگونی کلیت نظام اقتصادی- اجتماعی که آفریننده و حافظ چنین دیکتاتور هائی است، منحرف کنند.

امروز، منطقه خاورمیانه با توجه به بحران اقتصادی عمیقی که نظام سرمایه داری را فرا گرفته و به برکت خیزش توده ای عظیمی که در آن جریان یافته، آبستن تحولات بسیار بزرگی ست. **بدون شک این که جنبشهای توده ای خلقهای تحت ستم عرب که با شعار و هدف نابودی ظلم و ستم به خیابانهای تونس و مصر و یمن و اردن و ... ریخته اند چه سمت و سویی پیدا کنند و تا چه حد از مرز صرف سرنگونی حکومتهای فاسد و وابسته کنونی عبور کنند امری ست که با جریان روند این جنبشها و پتانسیل تداوم و تعمیق آن در زیر یک رهبری ضد امپریالیستی و کمونیستی گره خورده است.** اما در پیکاری که با جریان مبارزه توده ای، هم اکنون در کشورهای منطقه بر پا شده وظیفه قاطع نیروهای انقلابی و آگاه تلاش برای ایجاد این رهبری انقلابی و گسترش و تقویت صفوف آن است. بکوشیم از هر طریق ممکن و از جمله با اشاعه نظرات و تحلیل های درست کمونیستی در میان توده های دست اندر کار مبارزه انقلابی به این امر یاری برسانیم.

برقرار باد اتحاد تمامی نیروهای انقلابی و همه خلقهای تحت ستم!



رشد "کارتن خوابی" در میان زنان

"بر اساس آمار اعلام شده و رسمی، زنان کارتن خواب ۲ درصد از کل افراد کارتن خواب را تشکیل می‌دهند و متوسط سنی آنها ۲۵ تا ۴۵ سال است. اما اینطور که معلوم است و از اظهارنظرهای همراه با نگرانی مسئولان شهری بر می‌آید، تعداد این زنان روز به روز در حال افزایش است" این خبر تکان دهنده که منعکس کننده گوشه ای از شرایط بیکاری و معضل دردناک کارتن خوابی در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی است، توسط خبرگزاری "خبر آن لاین" به تاریخ ۶ بهمن ماه انتشار یافته است. یکی از دردناکترین و زشت ترین پدیده هایی که تحت نظام ظالمانه حاکم در جامعه ما با سرعتی اعجاب آور رشد کرده بی خانمانی و "کارتن خوابی" است، که اکنون زنان محروم و بی سرپناه را نیز با سرعتی شدید در بر می گیرد. رشد فزاینده فقر و بیکاری و گرسنگی و گرانی بویژه در میان طبقه کارگر و تحتانی ترین اقشار جامعه تحت سلطه ما در سی سال گذشته باعث وجود هزاران تن از جوانان، زنان و کودکانی شده که بدلیل فقر مطلق و فقدان سرپناه در تمام طول سال و بویژه در زمستانهای سرد و طولانی مجبور به خوابیدن در خیابانها با استفاده از کارتن می شوند. این پدیده دردناک بویژه در شهرهای بزرگ و مخصوصا تهران از ابعاد وسیعی برخوردار است و سالانه تعداد زیادی از کارتن خوابهای بیگناه به علت فقر و فلاکت زاینده نظام حاکم و عدم رسیدگی رژیم جمهوری اسلامی، در اثر سرما، بیماری، گرسنگی در کنار خیابانها جان می دهند. این پدیده بگونه ای در حال افزایش است که یکی از کارهای رفتگران شهرداریها در صبح های زود در فصل زمستان در شهرهای بزرگ، جمع کردن اجساد کارتن خوابهایی است که در فقدان کمترین امکانات طبیعی زندگی



در گوشه و کنار
خیابان بویژه در
محلات فقیر
نشین و جنوبی
شهر تهران
نظیر:
شوش، مولوی
و دروازه غار
جان می دهند.
ابعاد پدیده
کارتن خوابی
به حدی ست
که اخیرا صدای
اعتراض برخی
از مقامات خود
رژیم ضد خلقی
جمهوری
اسلامی هم

در آمده و مرتضی طلائی رییس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر تهران فغان بر آورده که "در برخی از مقاطع سال فضای موجود نگهداری موقت کارتن خوابها با نیاز جامعه برابر نیست". او اقرار کرده است که بیماریهای خطرناکی نظیر هپاتیت و ایدز نیز از بیماریهای مرگبار شایع در میان کارتن خوابهاست. این مقام شورای شهر تهران، "عادی" شدن حضور زنان معتاد و کارتن خواب در کنار خیابان را "زنگ خطری" برای جامعه نامیده است.

در بزرگداشت ۸ مارس، روز جهانی زنان کارگر و زحمتکش!

...به درستی گفته شده که سرکوب زنان، سرکوب جامعه است. این حقیقت را مردم ما در طی سی سال سلطه جمهوری اسلامی بطور عینی تجربه کرده اند؛ به خصوص دیده اند که حاکمین، هر زمان قصد ایجاد رعب و وحشت در میان مردم و تشدید سرکوب در جامعه را داشته اند، این قصد را در اولین گام، با سرکوب هر چه بیشتر زنان و شدت بخشیدن بر احقاقیات و توهین و تحقیر آنان عملی کرده اند. بنابراین، بی دلیل نیست که امروز از دختران جوان دانشجو گرفته تا زنان خانه دار همگی در وسعتی چشمگیر، دلپزانه برای نابودی جمهوری اسلامی می جنگند و با از خود گذشتگی و شایستگی تمام در جهت دست یابی به همه حقوق بر حق خویش و رسیدن به آزادی در صف مقدم مبارزه قرار می گیرند. مبارزه شجاعانه این زنان جهت سرنگونی رژیم سرپا ننگ و جنایت جمهوری اسلامی، امروز در عین حال حنای کسانی را بی رنگ کرده است که دیروز با دیدگاه های اصلاح طلبی می کوشیدند مبارزات زنان را در محدوده لغو یا تغییر قوانین ارتجاعی رژیم بر علیه زن، محصور سازند. در این مسیر زنان اصلاح طلب که مصالح و منافعشان در گرو حفظ رژیم جمهوری اسلامی است، حتی یکی از مهمترین خواست های زنان ایران یعنی آزادی پوشش را نیز نادیده می گرفتند. واقعیت این بوده و هست که قوانین زن ستیز جمهوری اسلامی با موجودیت و بقای این رژیم در هم تنیده شده است و لذا زنان ایران با اصلاحات یا آن طور که امروز تبلیغ می شود تحت پرچم سبز، یعنی بدون از بین بردن رژیم جمهوری اسلامی هرگز نمی توانند از شر آن قوانین ارتجاعی و قرون وسطانی، خلاصی یابند. قوانین ضد زن رژیم حاکم و به طور کلی ستم بر زنان و فرو دست خواندن آنان، در خدمت سرمایه داران قرار دارد؛ و جمهوری اسلامی با ایدئولوژی مذهبی و با اسلام خواهی های خود در واقع، شرایط استثمار هر چه بیشتر نیروی کار زنان و از این طریق تشدید هر چه بیشتر استثمار کل طبقه کارگر را برای سرمایه داران تسهیل می کند. در اینجا، با استناد به حقیقت فوق تنها تأکید می شود که چرا قوانین زن ستیز جمهوری اسلامی همراه با خود این رژیم ضد زن را تنها توده زنان انقلابی همراه با مردان انقلابی با در پیش گرفتن راهی انقلابی، قادر هستند به زباله دان تاریخ بیافکنند؛ و چرا کلیت جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته اش، باید با قدرت توده ها یعنی با قدرت زنان و مردان آگاه و سلحشور، نابود شده و از بین برود تا امکان تدوین قوانین مترقی به نفع زنان و بطور کلی آزادی زنان میسر گردد. اگر قبول داریم که بهترین معیار برای سنجش آزادی در یک جامعه، میزان آزادی زن در آن جامعه است، بنابراین، در فردای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، یکی از مهمترین نشانه های دولتی که خود را دموکراتیک و مردمی بنامد، این خواهد بود که به مثابه اولین گام نه فقط در تمام زمینه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و سیاسی کامل حقوق زنان با مردان را در قانون به رسمیت بشناسد، بلکه اعلام کند و در عمل نشان دهد که حق هیچ گونه دخالتی در امور خصوصی مردم، از چگونگی پوشش زنان گرفته تا اعتقادات و باورهای فکری افراد جامعه را ندارد.

بر گرفته از پیام رفیق اشرف دهقانی به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن - اسفند

چهره کریه دیکتاتوری حاکم از

ورای یک تصویر... از صفحه ۴

درست به دلیل دیکتاتوری ذاتی سیستم سرمایه داری حاکم در ایران است که در جمهوری اسلامی، کارگرانی که خواهان تشکیل سندیکاهای صنفی و یا اتحادیه های کارگری به منظور تعدیل شرایط استثمار خویش هستند، با تعقیب و آزار سیستماتیک حکومتی روبرو شده و زبان آنها را می برند. در جمهوری اسلامی، زنانی که برای داشتن حقوق کاری و صنفی و شغلی برابر با مردان و کسب حقوق انسانی برای زنان تلاش می کنند، دستگیر و زندانی شده و مورد مجازاتهای وحشیانه قرار می گیرند. در این رژیم و تحت دیکتاتوری سبغانه آن، دانشجویان به دلیل کوچکترین مطالبات صنفی خود شدیداً سرکوب می شوند. تحت چنین حکومتی خلقهای تحت ستم که از طبیعی ترین حقوق انسانی خود محرومند، هنگام تلاش برای تحقق خواستهای انسانی خویش با لشکر کشی نظامی و گلوله و بمب و جنگ مواجه می شوند، و بالاخره در چنین رژیمی با معلمان زحمتکشی هم که دستمزد و حقوق عادلانه درخواست می کنند، همچون نمونه این دبیر بازنشسته، با وحشیگری تمام برخورد می شود. در واقع تحت سلطه چنین نظام و حکومتی، هر گونه مخالفت با دیکتاتوری سپاه حاکمیت، حتی مخالفت مسالمت آمیز و در چارچوب "قوانین" نظام، در صورت جدی شدن و تداوم آن، عاقبتی جز زندان و شکنجه و سرانجام مرگ نخواهد داشت. واقعیتی که با تمام وجود بر ضرورت مبارزه در جهت نابودی این نظام و دیکتاتوری ذاتی آن به مثابه شرط اولیه برقراری دموکراسی و تداوم آن تأکید می کند.



چهره کربه دیکتاتوری حاکم از ورای یک تصویر!



تصاویر به غل و زنجیر بسته شدن یک معلم بازنشسته شهر مشهد به نام هاشم خواستار، در تخت بیمارستان توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی که اخیراً به چاپ رسیده، در درجه اول دل هر انسان با وجدانی را به درد آورده و خشم هر آزادیخواهی را بر علیه این حکومت ضد خلقی بر می انگیزد. با دیدن عکس در غل و زنجیر این معلم که عضو کانون صنفی معلمان مشهد می باشد، این سوال برای هر کسی مطرح می شود که مگر او چه کرده است که با شیوه ای که یاد آور رفتار سیوآنه برده داران با برده هاست، این چنین مورد مجازات قرار گرفته است؟

این معلم زحمتکش که مدتی پیش توسط جیره خواران حکومت دستگیر شده نه عضو "گروه های ضد انقلاب" است، نه از عناصر "وابسته به بیگانگان" و یا "استکبار جهانی" است و نه در صدد "براندازی" نظام نکبت بار حاکم و نه از عناصر "فتنه" است (عباراتی که جنایتکاران حاکم در توصیف مخالفان خود به کار می برند)، او دزد و قاتل و جنایتکار و قاچاقچی مواد مخدر و ... هم نیست که جمهوری اسلامی بتواند بخیال خویش رفتار به غایت ضد انسانی خود نسبت به او را با این بهانه ها در افکار عمومی توجیه کند. برای تمام کسانی که با دیدن این عکس به فکر فرو می روند که این پیرمرد چه کرده است که حتی در زمان دست و پنجه نرم کردن با بیماری در یک بیمارستان، مزدوران این چنین او را با غل و زنجیر به تخت بسته اند؟! باید گفت که او هیچ جرمی بجز بلند کردن صدای همکاران زحمتکش خود و طرح و پیگیری مطالبات هزاران هزار معلم زحمتکشی نداشته که تحت حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی با وجود کار طاقت فرسا قادر به سپرکردن شکم خود و خانواده هایشان نیستند.



بله! هاشم خواستار، دبیر زحمتکش و بازنشسته ای در شهر مشهد است که بجرم پیگیری حقوق صنفی و طبیعی همکارانش، بجرم درخواست دستمزدی عادلانه، شرایط انسانی در محیط کار و دفاع از حق تشکلهای صنفی مستقل از مزدوران رژیم در محیط های آموزشی، دستگیر شده و پس از بیماری شدید ناشی از شکنجه و اذیت و آزارهای مزدوران، با غل و زنجیر به بیمارستان منتقل شده است تا دوباره مورد نظر دژخیمان را برای تحمل زندان و شکنجه و آزار را پیدا کرده و به سیاهچال بازگردانده شود.

بدون شک تا آنجا که به جنبه های ضد انسانی این تصویر و رفتار ضد خلقی جیره خواران حکومت با این دبیر مقاوم بازمی گردد، بسیار بیشتر می توان مکث کرد. اما این رفتار شاهد بسیار کوچکی از حاکمیت جمهوری اسلامی و دیکتاتوری ناشی از ماهیت ضد خلقی نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم می باشد که تحت آن میلیونها تن از کارگران و زحمتکشان، زنان و جوانان، دانشجویان و بالاخره خلقهای تحت ستم ما در طول ۳۱ سال گذشته هر روز و هر ساعت با تجلیات سرکوبگرانه آن در زندگی خویش روبرو بوده اند.

این تصویر، سند روشن دیگری دال بر این واقعیت است که نظام سرمایه داری حاکم بر کشور ما، با چنان دیکتاتوری عریانی در روینای خود گره خورده است که در چارچوب آن، طبقه حاکم ظرفیت تحمل کوچکترین مخالفت دمکراتیک با بنیانهای ضد خلقی خود را نداشته و برخلاف کشورهای سرمایه داری متروپل هر گونه کوشش و حرکت برای حتی مطالبات صنفی - و نه سیاسی - توده های تحت ستم با تعقیب و زندان و شکنجه و حتی مرگ پاسخ می گیرد. به این دلیل است که مبارزه مردم ما با صرف دیکتاتوری حاکم بدون مبارزه برای نابودی سیستم سرمایه داری در کشور نمی تواند منجر به آزادی و دموکراسی در جامعه ما گردد. درک این قانونبندی و درس گیری از تجارب حاصل از آن نقش مهمی در ارتقاء آگاهی و پیشرفت مبارزات توده های آگاه و رزمنده ما خواهد داشت.

صفحه ۲

<http://www.siahkal.com>

از صفحه چریکهای فدائی خلق ایران در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com>

از صفحه اشرف دهقانی در اینترنت دیدن کنید:

شماره تلفن برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران 0044-7946494034

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051, LONDON, WC1N 3XX, ENGLAND

آدرس پست الکترونیک: ipfq@hotmail.com

پیروز باد انقلاب! مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی! زنده باد کمونیزم!

